



## پرچم دار کرمانشاه...

■ نظرات آیت الله احمد جنتی  
پیرامون شخصیت آیت الله شهید اشرفی اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم  
انا لله وانا اليه راجعون

مصیبتی که بر اسلام و مسلمین، با شهادت آیت الله اشرفی اصفهانی وارد شد، خلایقی ایجاد کرد و ثلمه‌ای به وجود آورد که "لایسدها شی"؛ هیچ چیز نمی‌تواند این خلای را پر کند. این مصیبت را، من به پیشگاه مقدس امام زمان ارواحنا فداه و همه علما و روحانیت اسلام و کافه مسلمین و مردم غیور این سامان و خاندان عزیز و محترم ایشان و فرزندان ارجمند و عالم‌شان تبریک و تسلیت عرض می‌کنم. خداوند به برکت این خون‌هایی که در محراب‌ها ریخته می‌شود و مراکز عبادت را به خون‌های پاک رنگین می‌کند، بالاترین اجرها را به این جامعه شهید پرور اسلامی عطا فرماید. خداوند ان شاء الله این مصیبت‌ها را که به جامعه انقلابی اسلام وارد می‌شود، با لطف و کرم بی‌پایان خودش، به بهترین وجه جبران فرماید. این مرد احتیاج به معرفی من ندارد و من، تنها اگر سخنی می‌گویم، به عنوان انجام وظیفه شخصی و قدردانی‌ای که باید از این مقامات عالی کرد، صورت می‌گیرد. این پیرمرد را، من از همان آغاز که از اصفهان برای تحصیل به قم منتقل شدند می‌شناختم. مردی آرام، عالم، پرهیزگار و مخلص بود. در آن زمان که در مدرسه فیضیه سکونت داشت، آن چه از ایشان می‌دیدیم وقار و تقوی و آرامش روح بود. در حجره‌ای محقر زندگی می‌کرد و با این که در سنی نسبتاً بالا بود، زندگی طلبگی بسیار ساده‌ای داشت و مانند یک طلبه مجرد در آن حجره به سر می‌برد و خودش مشغول اداره کارها و امور خودش بود و در آن موقعی که مرحوم آیت الله بروجردی - اعلی الله المقامه الشریف - این مدرسه

را در باختران تأسیس کرد دعوت کرد و دستور داد به جمعی از علما و جمعی از طلاب که مراجعت کنند از قم و در باختران گرد هم بیایند و این مدرسه را آباد کنند و از جمله کسانی که این دعوت را اجابت کرد این شهید بزرگوار بود - آمد و ماند. ماندن در این جا مشکلاتی داشت، دیگران نتوانستند این مشکلات را تحمل کنند و رفتند، اما این مرد - مرد صبور و مقاوم و با اخلاص ماند در این سرزمین و به وضع علمی و مذهبی منطقه رسیدگی کرد و در

**در آن زمان که در مدرسه فیضیه سکونت داشت، آن چه از ایشان می‌دیدیم وقار و تقوی و آرامش روح بود. در حجره‌ای محقر زندگی می‌کرد و با این که در سنی نسبتاً بالا بود، زندگی طلبگی بسیار ساده‌ای داشت و مانند یک طلبه مجرد در آن حجره به سر می‌برد.**

دورانی متجاوز از سی سال زندگی در این منطقه خیال نمی‌کنم هر کس که او را می‌شناخت، یک نقطه ضعفی از او بتواند معرفی کند و این است افتخاری که اسلام و روحانیت اسلام دارد که به دنیا اعلام می‌کند بیاید و ببینید یک شخصیت بزرگ علمی و بزرگ‌ترین شخصیت علمی یک منطقه، با آن موقعیت و محبوبیت، رفتاری می‌کند که دهها سال در میان مردم زندگی می‌کند و از خود ضعفی نشان نمی‌دهد و این است نتیجه و آثار و برکت

علم و تقوایی که به هم می‌آمیزد. شهید، مردی زاهد و وارسته بود. من خودم از کسانی بودم که به این منزل محقر ایشان اعتراض داشتم و معتقد بودم که ایشان باید منزل وسیع‌تری، درخور مراجعات‌شان، داشته باشند و گویا این مسأله را با خودشان هم در میان گذاشتم، ولی این مرد هیچ‌گاه حاضر نبود با این اصرارهای زیادی که از ناحیه مردم محترم شده بود، بپذیرد که جای دیگری را انتخاب کند، و در آن جا ماند تا به شهادت نائل شد.

صبری این مرد و مقاومت و اخلاصش، برای من ارزشی بسیار عالی و آموزنده دارد. هیچ اهل هوی و هوس نبود آن‌جا که احساس وظیفه می‌کرد، حرکت می‌کرد و به دنبال وظیفه می‌رفت، اما کوچک‌ترین انتظار و توقعی از کسی و کسانی نداشت. من در اسدآباد، به صورت تبعید، به سر می‌بردم و هیچ راضی نبودم که این پیرمرد بزرگوار از این‌جا به آن‌جا بیاید و از من تفقد کند، ولی چند نوبت ایشان تشریف آوردند و با کمال مهربانی و علاقه از من تفقد کردند. در جبهه‌ها، آن‌جا که لازم می‌شد، حرکت می‌کرد و می‌رفت و در هر صحنه‌ای که لازم بود حضور می‌یافت و آن اخلاصش به مقام والای امام یعنی به مقام نیابت امام زمان - ارواحنا فداه - آن اخلاص، بسیار ستودنی بود یعنی مردی که در آن سن بالا بود. مردی که از قدیم با آن وضع گذشته رشد یافته بود و تربیت‌های قدیم را داشت، در عین حال مانند یک جوان پاسدار، مانند یک جوانی که در دوران انقلاب متولد شده و در جو انقلاب استنشاق کرده و با روحیه انقلابی رشد یافته، با یک چنین حالتی به انقلاب و امام عشق می‌ورزید، شیفته انقلاب و شیفته امام بود، مردی نمونه بود در

جنازه‌ای بود که گفته‌اند نه در قبل از انقلاب و نه بعد از انقلاب، چنین اجتماعی به وجود نیامده است.

یک نفر مثل آیت‌الله اشرفی اصفهانی کسی است که منطقه، استان، را و مناطقی را می‌تواند نسبت به اسلام انقلاب علاقه‌مند و دل‌گرم و وفادار کند، او محور است و علم‌دار است. پرچم‌دار اوست که می‌تواند صدها و هزاران سرباز را از این سنگر نماز جمعه به جبهه‌های جنگ بفرستد. اوست که می‌تواند با خطبه‌هایی که در نماز جمعه می‌خواند و در جبهه پخش می‌شود، دل رزمندگان را در آنجا گرم کند، به قدری که یک هنگ ارتش نمی‌تواند به آن‌ها دل‌گرمی بدهد. اوست که می‌تواند همه را در مقابل دشمنان بسیج کند. در این انقلاب، آیا وجود رهبر عظیم‌الشان که تنها مایه حرکت مردم و وسیله پیروزی و موفقیت بود، آن یک نفر نبود که در قم نشسته بود و با نامه‌ها و سخنرانی‌ها و نوارها و پیام‌ها، مملکت را در مقابل آمریکا نگاه‌داشت و بسیج کرد و آمریکا را بیرون برد؟ و آیا روحانیونی که یار و یاور و همراه او بودند که نفس گرمش را به مردم دور دست می‌رساند، این‌ها نقش مؤثری نداشتند؟ و دشمن خوب می‌داند که آن کسانی که می‌توانند بازار ضد استعمار را گرم نگاه‌دارند، چه کسانی هستند. آن‌ها خوب بررسی می‌کنند که یک خطبه نماز جمعه، چقدر نیرو در میان مردم و چقدر حرارت در آن‌ها ایجاد می‌کند که این حرارت‌ها تا هست، اگر ما هر کمبودی داشته باشیم، کمبودها جبران می‌شود، ولی اگر این حرارت‌ها پایین بیاید و گرما کم شود و دل‌ها سرد شود، آن‌جاست که اگر همه مملکت‌مان پر از امکانات نظامی و غیر نظامی باشد، کاری از پیش برده نمی‌شود.

خداوند یادگارهایی را که مرحوم آیت‌الله شهید اشرفی از خودش گذاشته است، برای این جامعه و برای این مردم محفوظ فرماید. ■  
برگرفته از کتاب «عروج به ملکوت در مهر خون»

**شهید اشرفی اصفهانی زیاد حق دارد بر مردم غیور این منطقه، چنان‌که مردم محترم و غیور این سرزمین هم از او خوب قدردانی کردند و نمونه روشنی که برجسته و قابل مشاهده بود، آن تشییع جنازه‌ای بود که گفته‌اند نه در قبل از انقلاب و نه بعد از انقلاب، چنین اجتماعی به وجود نیامده است.**

این جهت، با کمال تواضع و فروتنی زندگی می‌کرد، هیچ آثار خودنمایی و خودنشان‌دادن و خودخواهی در وجود او دیده نمی‌شد. این‌ها روحیه‌های ملکوتی و آسمانی است. این‌ها روحیه‌هایی است که رشدیافته‌گان مکتب قرآن از این روحیه‌های بالا برخوردارند، نه موقعیت علمی او را مغرور کرده بود، نه موقعیت اجتماعی غروری در وجودش ایجاد کرده بود و با همان حالتی که در دوران طلبگی به سر می‌برد، در این دوران هم با همان حالت و با همان روحیه زندگی می‌کرد. این‌ها مفاخر اسلامند. این‌ها کسانی هستند که ما می‌توانیم آن‌ها را به رخ دنیا بکشیم که یک عالم ما آن کسی است که این چنین زاهد و وارسته و بی‌پیرانه زندگی می‌کند و شما بیاورید اگر نمونه‌هایی چنین دارید و تربیت‌های اسلام در وجود این‌ها تجسم یافته است. بیایند و ببینند، که این پیرمرد در آن سن اگر می‌توانست در جبهه‌ها می‌ماند و اسلحه به دست می‌گرفت و مانند یک جوان با دشمن می‌جنگید و تنها ضعف بدنی و سن بالا و وظایف خاصش مانع این حرکت و این اقدام شده بود. شهید اشرفی اصفهانی زیاد حق دارد بر مردم غیور این منطقه، چنان‌که مردم محترم و غیور این سرزمین هم از او خوب قدردانی کردند و نمونه روشنی که برجسته و قابل مشاهده بود، آن تشییع

